

برای پژوهشگران هنر و ادب ایران عصر صفوی، مزدهای بزرگ است که نسخه‌ای دقیق و پیراسته با فهارسی گوناگون از تذکره نصرآبادی انتشار یابد. حاصل ده سال زحمت شبانه‌روزی آقای احمد مدقق یزدی، از دانشگاهیان یزد، اکنون در اختیار ماست. مقایسه‌ای میان این چاپ و چاپ شادروان وحید دستگردی (سال ۱۳۱۶-۱۷) نشان می‌دهد که میان نوشته نصرآبادی و آنچه در چاپ وحید آمده است تفاوت‌هایی وجود دارد. مصحح فاضل چاپ حاضر از تمام نسخه‌های معتبر تذکره نصرآبادی، که در ایران و خارج از کشور وجود دارد، سود جست و تمام اختلافات نسخه‌ها را با دقت تمام در پای صفحه‌ها یادآور شده است. از مقایسه این اختلاف نسخه‌ها می‌توان فهمید که مؤلف خود مواردی از عبارات را در طول زمان تغییر می‌داده است و تأمل در این تغییرات خود می‌تواند موضوع تحقیقی جداگانه قرار گیرد.

تذکره نصرآبادی، مهم‌ترین تذکره‌ای است که در عصر صفویه تألیف شده و دریایی از اطلاعات است درباره موسیقی، نقاشی، معماری، شعر و ادب عصر صفویه و زندگینامه‌ی علما و دانشمندان و بعضی از رجال سیاست و نیز افرادی از خانواده سلطنتی. تاکنون محققان معاصر، مقالات متعددی در باب ارزشهای این کتاب نوشته‌اند (از جمله استاد ایرج افشار، در کتاب «آرام نامه» و نیز در «جشن نامه استاد مدرس رضوی») ولی هنوز میدان تحقیق همچنان گشاده است. با فهارسی که آقای مدقق برای این کتاب فراهم آورده‌اند، از رنج

پژوهشگران، به گونه چشم‌گیری کاسته شده است. مثلاً در یک نگاه، می‌توانیم به توزیع جغرافیایی نام شاعران در پیوند با شهرهای مختلف برسیم و دریابیم که مراکز اصلی خلاقیت شعری، در پهنه زبان فارسی عصر مؤلف، کجاها بوده است؟ برای نمونه در یک نگاه شتابزده که من کردم متوجه شدم که در عصر صفویه، به استناد این کتاب، ده شهر اصلی شاعرخیز و شاعرپرور در سراسر قلمرو زبان فارسی عبارت‌اند از:

- اول: اصفهان، با چهل و پنج شاعر
- دوم: شیراز، با چهل و سه شاعر
- سوم: تبریز، با چهل و دو شاعر
- چهارم: بخارا، با سی و نه شاعر
- پنجم: کاشان، با سی و هشت شاعر
- ششم: یزد، با بیست و پنج شاعر
- هفتم: همدان، با بیست و دو شاعر
- هشتم: قم، با بیست و یک شاعر
- نهم: لاهیجان، با هفده شاعر
- دهم: مشهد، با هفده شاعر، در ردیف لاهیجان.

ممکن است کسانی در اصالت این آمار، بیش و کم خدشه کنند، ولی تأمل در این اعداد و ارقام نکته‌های بسیاری را بر ما روشن می‌کند. اولین پرسش این است که مشهد، آن هم مشهد عصر صفوی، چرا باید تعداد شاعرانش به اندازه لاهیجان - که شهرکی خرد در شمال ایران است - باشد؟ جستجوی دلایل این امر خود می‌تواند مسایل دیگری را روشن کند، از جمله ناام بودن مشهد (به علت حملات پیوسته شیانیان) و مهاجرت شاعرانش به هند و ولایات دیگر و یا نپسندیدن نصرآبادی شعر شاعران مشهد آن ایام را. اگر چنین باشد که سلیقه نصرآبادی، شعر شاعران مشهد را نمی‌پسندیده، این می‌تواند نشان دهنده آن باشد که شاعران مشهد در مقابل «تغییر سبک» مقاومت از خود

نشان می‌داده‌اند و از سلیقه رایج در دیگر بلاد، (یعنی مد روز) بویژه سلیقه اهل اصفهان، پیروی نمی‌کرده‌اند.

جای یک رساله دکترا بسیار ارزشمند در زمینه «توزیع جغرافیایی نام شاعران بر قلمرو زبان فارسی» همچنان خالی است؛ به این معنی که براساس اسناد موجود از تذکره لباب الالباب و چهار مقاله عروضی و دولتشاه ... تا مجمع الفصحا (که آخرین تذکره وسیع و شامل شاعران فارسی است) کسی بیاید و این نام‌ها را در طول ده قرن بر سر ولایات و شهرها و روستاها تقسیم کند. نخستین دستاورد چنین تحقیقی نشان دادن پهنه بیکران ادب ایران و شعر فارسی است که مصداق «از حلب تا کاشغر میدان سلطان سنجر است» خواهد بود. چه تعدادی شاعر کاشغری داریم و چه مقدار شاعر منسوب به نواحی شام و حلب. از اقصای هند تا چین تا روم تا بلاد شام همه جا عرصه خلاقیت زبان فارسی است. دومین دستاورد این تحقیق، همین مساله توزیع جغرافیایی نام‌ها در نسبت با شهرها و روستاهاست. وقتی در ادوار مختلف، تحولات یک شهر یا یک ناحیه را ازین دیدگاه بررسی کنیم خواهیم دانست که چرا در یک دوره (مثلاً عصر صفوی) شاعران بیشتری از این ناحیه برخاسته‌اند و در دوره‌ای دیگر شاعران کمتری. همین کم و زیاد شدن شاعران یک شهر، در ادوار مختلف، خود می‌تواند ما را به مسائل ژرف‌تری در عرصه تحولات فرهنگی ایران راهنمون شود.

همین اصفهانی که به استناد نصرآبادی، مرکز درجه اول شعر ایران عصر صفوی است، در تمام قرن سوم و چهارم و پنجم و نیمه اول قرن ششم هم، حتی یک شاعر گمنام ندارد و در حقیقت با ظهور جمال‌الدین اصفهانی و نسل اوست که شعر اصفهان شروع به تجلی می‌کند. همین شیرازی که درین آمار دومین شهر شعرخیز است تا ظهور سعدی، در قرن هفتم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تذکره نصرآبادی

ادبی ایران عرضه نموده است و کاری که اگر نشده بود، چه بسا دیرتر محققان به ارزش‌های این تذکره جامع پی می‌بردند. کما اینکه سالهاست دیدن چاپ آراسته و پیراسته «مدینه‌الادب» عبرت‌ناثینی، آرزوی بسیاری از اهل پژوهش و ادب است و هنوز صاحب همتی به چاپ آن دست نیازیده است.

چنانکه از فحوای دیباچه تذکره نصرآبادی آشکار می‌شود، این تذکره را می‌توان از منابع دست اول داشت که به غیر از چند شرح حال که از «خلاصه‌الشعراء» و «عرفات‌العاشقین» تقی‌الدین اوحدی، بهره گرفته است، مابقی را یا از خود شاعران گرفته یا از دیوان آنها گلچین کرده است و بنا بر جامعیتی که دارد خود منبع بسیاری از تذکره‌های سده‌های ۱۲ ق تاکنون بوده است، که مشهورترین آنان: ریاض‌الشعراء، سفینه خوشگو، مخزن‌الغرائب و سرو آزاد است.

نقدنویسان و تحلیل‌گران ادب پارسی در بیان اهمیت و ارزش این تذکره موارد فراوانی را یادآور شده‌اند که به چند نکته برجسته آن اشاره می‌شود:

۱- بازنمایی است از اوضاع و احوال تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر صفوی.

۲- دانشنامه‌ای است از نام و نشان و اشعار نزدیک به هزار سخنور عهد صفوی، اعم از شعرای محلی ایران و حتی توران و شبه قاره هند و آسیای مرکزی و میانه.

۳- فرهنگی فراگیر است از نام هنرمندان و مشاغل عصر صفوی.

۴- تاریخ سیاسی اجتماعی و فرهنگی اصفهان به ویژه نام‌آوران آن در عصر صفوی است.

متن کتاب با مقدمه نصرآبادی در چگونگی و غرض از تدوین تذکره آغاز می‌شود و تا صفحه ۸۳۳ ادامه دارد. کوشنده تلاش نموده است در خلال این ۸۰۰ صفحه و با مدد جستن از ذوق و همفکری دوستان خود متنی پیراسته و آراسته و علمی که هم به زبان مؤلف نزدیک

باشد و هم نشانی از تصرف کاتبان در آن نباشد به پیشگاه خوانندگان عرضه دارد و با اینکه نسخه‌وزیری را اساس کار خود قرار داده، با این وجود چنانچه در دیگر نسخه‌ها متن یا واژه‌های را مناسب‌تر یافته، آن را در متن جایگزین نموده است. گویای این سخن پاورقی‌های متن کتاب است که نشان از ذوق و شوق کوشنده و دیگر یاوران وی می‌دهد و چنانکه روشن است هیچ نکته‌ای را فرونگذاشته و چاپی آراسته، دانشین و دلپذیر را فراهم آورده است.

تصحیح حاضر به غیر از محاسن و مزایای فراوانی که دارد و در جای خود بدان اشاره شده و خواهد شد بزرگترین کاستی آن در فقدان بخش یادداشت‌ها و تعلیقات است که بعداً بدان مفصلاً پرداخته می‌شود. نکته دیگر آنکه چنانکه روشن است، هدف، چاپ تذکره نصرآبادی بوده است، اما چاپ بخش‌هایی از دیگر آثار نصرآبادی، همچون گلشن خیال، گل رعنا، منشآت، مکتوبات و... برای آشنایی خواننده با نمونه‌های دیگری از نثر او بسیار سودمند خواهد بود، چنانچه آقای ناجی هم در چاپ خود به چنین کاری مبادرت نموده است.

بخش پایانی کتاب شامل فهرست‌های ۱۵ گانه‌ای است که به ترتیب زیر تدوین و سامان یافته است: اعلام اشخاص / شاعران / تخلص‌های شاعران / شاعران دو تخلص / فهرست پراکندگی شاعران از نظر جغرافیایی / فهرست شعریایی که زادگاه آنها معلوم نیست / فهرست کتاب‌ها و رساله‌ها / فهرست قبایل و طوایف / فهرست مشاغل و مناصب / فهرست حوادث و وقایع و بیماری‌ها / فهرست اشعار به زبان محلی / فهرست لغات و ترکیبات / فهرست ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌ها / فهرست عمومی نسخه بدل‌ها.

متأسفانه فهرست این فهرست‌ها در آغاز کتاب و در فهرست مندرجات نیامده است. بی‌گمان تهیه چنین فهرسی نه تنها حوصله زیادی می‌طلبد بلکه زمان

زیادی را نیز به خود اختصاص داده است. شاید نیمی از زمانی که کتاب در دست تدوین و پیرایش بوده، صرف آرایش و پردازش چنین فهرسی شده است. از نقاط قوت این تصحیح، تهیه این فهرست به ویژه فهرست‌های زیر بوده که بسیار سودمند و بی‌گرافه ابتکاری است:

فهرست حوادث و وقایع و بیماری‌ها (ص ۹۳۷-۹۳۱) فهرست اشعار به زبان محلی (۹۴۰-۹۳۹) فهرست لغات و ترکیبات (۹۸۲-۹۴۱) فهرست ضرب‌المثل‌ها (۱۰۰-۹۸۳) و فهرست عمومی نسخه بدل‌ها که بسیار کامل و جامع و خوب است. شاید بتوان دو فهرست: «شاعرانی که شرح حال آنها در تذکره آمده است» و «تخلص‌های شاعران» را تکراری دانست و می‌شد هر دو را در یک فهرست آورد.

اما به‌رغم دقت و حوصله فراوانی که در تدوین این فهرست‌ها به کار رفته و حتماً چندین سال وقت صرف آن شده است، باز کاستی‌ها و نکاتی به چشم می‌آید که به ذکر نمونه‌هایی از آن بر پایه فهرست‌های مشابه تذکره نصرآبادی تصحیح آقای محسن ناجی نصرآبادی و دیگر منابع فقط در حرف الف بسنده می‌شود: (البته در مقام مقایسه باید گفت که در مجموع به غیر از فهرست‌های خاص، در زمینه فهرست‌های مشترک، می‌توان با قاطعیت گفت که مدخل‌های فهرست‌های تصحیح آقای احمد مدقق یزدی، برتری چشمگیری نسبت به تصحیح آقای ناجی نصرآبادی دارد.)

۱- ذیل تخلص شاعران، تخلص‌های زیر دیده نمی‌شود: اوزن، ایما و...

۲- ذیل پراکندگی شاعران از نظر جغرافیایی نام شهرها و ولایات زیر دیده نمی‌شود: آذربایجان، آران، آرتیمان، ایردخواست... نیز اسدآباد باید بعد از استرآباد باشد، به جای عبدالعظیم باید نام «ری» می‌آمد و بدخشان درست‌تر از بدخش است...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تألیف محمد طاهر نصرآبادی

به کوشش احمد مدقق یزدی

انتشارات دانشگاه یزد، چاپ اول، ۱۳۷۹

